



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۷ بهمن ۱۳۹۱

مصادف با: ۲۴ ربیع الاول ۱۴۳۴

جلسه: ۲۱

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه

موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام - مشایخ ثقات

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در نقض‌هایی بود که در مورد مشایخ ثقات وارد شده است، عرض شد چند نفر از مشایخ ابن ابی عمیر از طرف بعضی از بزرگان علم رجال تضعیف شده‌اند، شش نفر از مشایخ ابن ابی عمیر به ادعای بعضی بالاتفاق ضعیف هستند که تا اینجا پنج نفر از آنها را مورد بررسی قرار دادیم و معلوم شد نه تنها ضعف این پنج نفر مورد اتفاق نیست بلکه محامل و توجیهاتی هم می‌توان برای نقل روایت توسط ابن ابی عمیر از آنها ذکر کرد به گونه‌ای که قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» در مورد محمد بن ابی عمیر مورد نقض قرار نگیرد.

۶- عبدالله بن قاسم

این شخص هم از کسانی است که در زمره مشایخ ابن ابی عمیر است و ادعا شده ضعف او مورد اتفاق است، حال باید ببینیم آیا واقعاً این چنین است یا نه؟ در کتب رجالی سه نفر به عنوان عبدالله بن قاسم ذکر شده‌اند:

۱- عبدالله بن قاسم جعفری ۲- عبدالله بن قاسم حارثی ۳- عبدالله بن قاسم حصرمی.

در مورد عبدالله بن قاسم جعفری چیزی گفته نشده است.

درباره عبدالله بن قاسم حارثی مطالبی بیان شده از جمله نجاشی درباره او گفته: «ضعیفٌ غال کان صاحبُ معاویةَ بنِ عمارٍ»، به نظر نجاشی این شخص ضعیف و اهل غلو است که از مصاحبین معاویة بن عمار بوده و بعداً از هم جدا شده‌اند. شیخ طوسی نه در فهرست و نه در رجال چیزی درباره این شخص نگفته و مرحوم آقای خویی هم درباره او فرموده: نجاشی او را تضعیف کرده نه در حدیث بلکه خود او را تضعیف کرده است^۱. البته ممکن است تضعیف عبدالله بن قاسم حارثی به واسطه غلو بوده نه اینکه ثقة نبوده است.

نفر سوم عبدالله بن قاسم حصرمی است که احتمالاً آن شخصی که از مشایخ ابن ابی عمیر دانسته شده این شخص باشد. نجاشی درباره او فرموده: «کذابٌ غال یروی عن الغلات لا خیر فیه و لا یعتدُّ بروایتہ له کتابٌ یرویه عنه جماعة»^۲؛ کذاب و اهل غلو بوده که از غلات روایت نقل کرده و به روایت او اعتناء نمی‌شود. شیخ طوسی در فهرست نام او را ذکر کرده ولی درباره او

۱. رجال نجاشی، ج ۲، ص ۲۹.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۰۴.

۳. رجال نجاشی، ج ۲، ص ۳۰.

سکوت کرده است^۱، همچنین در کتاب رجال او را از اصحاب امام کاظم (ع) دانسته و در مورد مذهب او هم گفته واقفی بوده است^۲. ابن غضائری هم درباره حضرمی گفته: «کوفی ضعیف ایضاً غال متهافة»^۳؛ کوفی و ضعیف و اهل غلو بوده و در عین حال تهافت در روایات او وجود دارد.

از مجموع مطالبی که در مورد عبدالله بن قاسم ذکر شد چه مراد عبدالله بن قاسم حارثی باشد و چه عبدالله بن قاسم حضرمی که البته احتمال قوی این است که مراد، عبدالله بن قاسم حضرمی باشد، اتفاق نظر در ضعف او نیست گرچه بزرگانی مثل نجاشی او را تضعیف کرده‌اند ولی بعضی دیگر درباره او سکوت کرده‌اند. بعلاوه اینکه ابن ابی عمیر فقط یک روایت از این شخص نقل کرده است و این روایت هم در مورد احکام نیست بلکه یک روایت اخلاقی است که می‌گوید: عن ابن ابی عمیر عن الصادق (ع) عن ابيه عن جدّه عن علي قال: «کن لما لاترجوا أرجی منک لما ترجوا»^۴؛ نسبت به چیزی که امید ندارید امیدوارتر باشید از چیزی که نسبت به آن امید دارید. این روایتی اخلاقی است اما در مورد احکام روایتی از این شخص نقل نشده لذا مشکلی از این جهت نیست و علاوه بر این محتمل است ابن ابی عمیر او را در زمان تحمل و نقل حدیث ثقه می‌دانسته و بعداً اهل غلو یا واقفی شده است.

جمع بندی:

پس ملاحظه کردید این شش نفری که از مشایخ ابن ابی عمیر هستند و در مورد ضعف آنها ادعای اتفاق شده، این ادعا صحیح نیست چون در مورد آنها اختلاف وجود دارد و بعلاوه تعداد روایاتی که ابن ابی عمیر از این اشخاص نقل کرده بسیار نادر است و آن هم مربوط به غیر باب احکام است و اگر هم در باب احکام روایتی از اینها نقل شده مربوط به احکامی است که بیشتر در دایره مستحبات است نه احکام الزامی.

مشایخ صفوان بن یحیی

طبق آنچه مرحوم آقای خویی فرموده، مشایخ صفوان ۱۴۰ نفرند، البته صاحب مشایخ النقات مشایخ او را تا ۲۱۳ نفر هم ذکر کرده است، از این تعداد ۱۰۹ نفر ثقه و بقیه یا مهمل و یا مجهولند و تعداد بسیار کمی از اینها تضعیف شده‌اند، در بین کسانی که تضعیف شده‌اند ادعای اتفاق بر ضعف دو نفر شده است؛ یکی یونس بن ظبیان و دیگری صالح بن حکم نیلی. در مورد یونس بن ظبیان قبلاً در ضمن مشایخ ابن ابی عمیر بحث کردیم.

صالح بن نیلی

نجاشی درباره این شخص گفته: «ضعیف»^۵، شیخ طوسی در کتاب رجال او را از اصحاب امام صادق (ع) دانسته اما درباره او چیزی نفرموده است.

۱. فهرست شیخ، ص ۱۳۲.

۲. رجال شیخ، ص ۳۵۷، رقم ۵۰.

۳. خلاصة الاقوال، قسم ثانی، باب عبدالله، رقم ۶.

۴. کافی، ج ۵، ص ۸۳.

۵. رجال نجاشی، ج ۱، ص ۴۴۴.

برقی هم درباره او چیزی نگفته و مرحوم آقای خوبی هم درباره او فرموده: «مجهول الحال»^۱، لکن خود شیخ صدوق طریق صحیحی به این شخص دارد.^۲ با توجه به مطالبی که گفته شد مثل آنچه که در مورد مشایخ ابن ابی عمیر بیان شد، معلوم می‌شود ادعای اتفاق در مورد ضعف این اشخاص قابل قبول نیست، بعلاوه به طور کلی صفوان در سه مورد از صالح بن حکم روایت نقل کرده، یک روایت را در جلد دوم تهذیب و همان روایت را در جلد اول تهذیب هم آورده است ولی سند این دو روایت با هم فرق می‌کند، روایت جلد دوم تهذیب این است: ورد عن صفوان عن صالح النیلی عن محمد بن ابی عمیر^۳، نفس این سند تا حدودی قابل قبول نیست چون بر طبق این سند بین صفوان و ابن ابی عمیر یک واسطه قرار گرفته در حالی که این دو در یک طبقه بوده‌اند و بین آنها فاصله‌ای نبوده تا محتاج واسطه باشد. همین روایت در تهذیب در کتاب الطهارة با یک سند دیگر بیان شده: احمد بن محمد عن صالح عن محمد بن ابی عمیر^۴، در این سند صفوان از صالح و صالح از ابن ابی عمیر نقل کرده است، با اینکه این روایات در باب احکام است ولی مسئله این است که ضعف صالح مورد اتفاق نیست و چه بسا ابن ابی عمیر به صالح اعتماد داشته چون در زمان تحمّل و نقل حدیث او را ثقه می‌دانسته است. لذا با توجه به مطالبی که گفته شد نمی‌توان گفت وجود این شخص در زمره مشایخ صفوان بن یحیی باعث نقض به قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» می‌شود.

بحث جلسه آینده: اشخاص دیگری هم مثل علی بن ابی حمزه بطائنی، سهل بن زیاد و سکونی باید مورد بررسی قرار بگیرند که انشاء الله در جلسه آینده به آنها هم اشاره خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۶۴.

۲. مشیخه فقیه، ص ۴۱.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۲۲، باب ما یجوز الصلوة فیہ من المکان و اللباس، ح ۷۰.

۴. همان، ج ۱، ص ۲۸۷، باب تطهیر الثیاب و غیرها من النجاسات، ح ۹۳.